

## فصل بیست و هشتم

# عداوت شیطان با شریعت خدا

اولین اقدام شیطان در تکذیب شریعت خداوند بین ساکنان معصوم آسمان ظاهراً موفقیت آمیز بود. عده کثیری از فرشتگان را اغوا کرد ولی پیروزی او موقت و در نهایت با شکست کامل و طرد از حضور خداوند و تبعید از آسمان انجامید.

شیطان وقتی که مبارزه خود را در جهان تجدید کرد، دوباره موفقیتی موقت بدست آورد. بشر بخاطر بی اطاعتی به اسارت او در آمد و ملکوت خود را به آن خائن تسلیم نمود. اکنون شیطان راه را برای آشوب خود هموار دیده، در صدد تشکیل حکومتی مستقل در برابر خداوند برآمد. ولی خداوند با طرح نقشه نجات موقعیتی برای مصالحه خود و بشر بوجود آورد، بدین ترتیب که با اطاعت نسبت به احکام خداوند بشر قادر است که در ردیف نجات یافتگان قرار گرفته و از سلطه شریر شیطان خلاصی یابد.

با وجود آمدن این طرح، بار دیگر شیطان مغلوب شد و بار دیگر او نیز به امید ترمیم شکست خود و تبدیل آن به پیروزی به فریب و کذب متوسل گشت. برای اینکه در بین ابنای بشری ایجاد اغتشاش نماید سعی کرد ذهن بشر را نسبت بعدالت خداوند مشکوک سازد، لذا از روی نیرنگ چنین سوآلی را مطرح کرد: اگر خدا نتایج آزادی و اختیار را می دانست، چرا بشر را در معرض آزمایش قرار داد تا گناه ورزد و اینهمه بدبختی و مرگ ببار آورد؟ بنی آدم بردبار رحمت خدا را فراموش کرده فرصت ثانوی و قربانی عظیم آسمانی را نادیده گرفته و گوش بوسوسه های اغواکننده او دادند و بر علیه یگانه منبعی که قادر برهانیدن آنان از چنگ مخرب شیطان بود اعتراض کردند.

امروزه افراد بسیاری یافت میشوند که در برابر خداوند همان روحیه طغیان گری را حفظ کرده اند. آنان درک نمی کنند انسانی که آزادی انتخاب نداشته باشد ماشینی بی اختیار بیش نیست و چنین موجودی بشر محسوب نمیشود. خداوند هرگز اراده خود را بر مردم تحمیل نمیکند. انسان فردی آزاد آفریده شده و مانند ساکنان سایر کرات میباید تحت آزمایش قرار گیرد ولی در عین حال خداوند حافظ آنان

است و مانع سقوطشان می‌گردد. با هیچ تجربه یا وسوسه ای که خارج از توانائی وی باشد مواجه نخواهد شد. خداوند برای سعادت بشر پیش بینی هائی فرموده که انسان در مبارزه با شیطان هرگز مغلوب نخواهد شد.

از زمانی که جمعیت جهان افزایش یافت تقریباً همه به صفوف شورشیان پیوستند. و چنین بنظر می‌آمد که شیطان در مبارزه اش پیروزی یافته است ولی قادر مطلق عوامل شرارت را معدوم و فساد جهان را با طوفان پاک ساخت.

نبی میفرماید: "هنگامی که تو جهان را داوری کنی آنگاه مردم مفهوم عدالت را خواهند آموخت. . . هر چند تو نسبت به گناهکاران رحیم هستی، اما آنان هرگز یاد نمی‌گیرند که خوبی کنند. آنان در این سرزمین خوبان به بدکاری خود ادامه می‌دهند و به جلال و عظمت تو توجه نمی‌کنند."<sup>(۱)</sup> وضع جهان پس از طغیان چنین بود. زمانی که ساکنان زمین این تنبیه خداوند را فراموش کردند بار دیگر طغیان نموده بحد حضرت اعلیٰ عهد بسته احکام او را رد کردند. انسانهای قبل از طوفان و نوادگان نوح هر دو از اقتدار الهی سرپیچی کردند. آنگاه

خداوند با ابراهیم عهد بست و ذریت وی را مسئول حفظ شریعت خود گردانید. شیطان فوراً برای اغوا و نابودی نژاد مقدس اقدام نمود و دامهای خود را پیش پایهای آنان گسترده. بنی یعقوب نیز با زندهای بت پرست ازدواج کردند و بت های ایشان را پرستیدند. ولی یوسف بخداوند وفادار ماند و زندگی وی شهادتی بر ایمان واقعی بود.

بخاطر از بین بردن این نور درخشان بود که شیطان کینه و حسادت را در ضمیر برادران یوسف مشتعل گردانید تا برادر خود را به بردگی به جمعی بت پرست بفروشند ولی خداوند وی را وسیله ای برای رسانیدن حکمت و جلال خود به اهالی مصر گردانید. یوسف در خانه فوتیفار و هم در زندان تعلیم و تربیتی توأم با ترس از خداوند دریافت کرد که او را برای نخست وزیر آن کشور آماده ساخت. در نتیجه شناسائی خداوند از قصر فرعون به اقصی نقاط کشور پخش گردید. بنی اسرائیل در مصر غنی و متمول شدند و مؤمنین آنها اثر بسزائی بین مردم از خود باقی گذاشتند. کاهنان بت پرست در برابر پیشرفت این دین جدید بسیار مضطرب شدند و در اثر نفوذ شیطان اقدام بنابودی این نور حقیقت نمودند. تعلیم و تربیت و ولایت عهد به کاهنان واگذار شد

که در اثر نفوذ روح سرکش شیطان که در همه اوقات علیه خداوند مردم را اغوا میکند فرعون های آینده کشور را به بت پرستی کشاندند و چنانکه بعدها عبرانیها را مورد ظلم و تعدی خود قرار دادند.

در مدت چهل سال فرار موسی از مصر ظاهراً بت پرستی مظفر شده بود و امید اسرائیلیان سال بسال ضعیفتر میگرددید. شاه و مردم آن سرزمین به قدرت و افتخارات بیشتری دست یافته و خدای اسرائیل را بی حرمت مینمودند. این روحیه سرکشی تا زمانی که فرعون با موسی مواجه شد روزبروز افزایش می یافت. هنگامی که رهبر عبری مرده "خدای تعالی، خدای اسرائیل" را به پادشاه اعلام داشت، پاسخی که بوی داده شد از روی جهالت نبود بلکه مبارزه طلبی علیه خداوند بود، چرا که پاسخ داده گفت: "خداوند کیست که من به حرفهایش گوش بدهم و بنی اسرائیل را آزاد کنم؟ من خداوند را نمی شناسم." مخالفت فرعون تا آخرین لحظه حیاتش بعلت جهالت نبود بلکه بخاطر تنفر و انزجاری بود که از خداوند داشت.

با وجودی که مصریان مدت مدیدی معرفت خدا را نادیده گرفتند ولی خداوند فرصت توبه را به ایشان داد. در ایام یوسف مصر

پناهگاهی برای بنی اسرائیل شده بود و الطافی که نسبت به خاندان یعقوب میشد تحت نام خداوند انجام میگرفت. اکنون زمان آن رسیده بود تا خدای رحمن و رحیم و دیرخشم و کثیرالاحسان هر عملی را طبق ثمره اش پاداش دهد. مصریان توسط همان بتهای معبود خود ملعون شدند ولی هر کس که قدرت پروردگار را احساس کرد و بوی پناه برد از خشم داوری او رهائی یافت. تعصب و سرسختی فرعون باعث گردید تا عده ای بی بمعرفت خداوند برده و خود را تسلیم اراده وی نمایند.

خداوند بنی اسرائیل را بدین سبب روانه مصر کرد زیرا آنان را مستعد و علاقمند به بت پرستی و رسوم مصریان دید و چون یوسف در مصر صاحب نفوذ و قدرت بود میتوانست آنان را جدا و در موقعیت خاصی محفوظ بدارد. در اینجا هم در اواخر اقامتشان در مصر، بت پرستی و ظلم و ستم مصریان بحدی رسیده بود که بنی اسرائیل از اوضاع آنجا متنفر و منزجر گردیدند و این خود سبب شد که با تمامی قلب بسوی خدای پدران خود پناه ببرند. شیطان از همین موقعیت نیز سوء استفاده کرده تمایلات آنان را بنحوی مبدل به آداب و رسوم اربابان بت پرستان گردانید. از آنجائیکه مصریان برای حیوانات احترام خاصی قائل بودند

عبرانیها در طول مدت بردگیشان مجاز به گذراندن قربانیهای خود نبودند و در این محرومیت بتدریج مسئله قربانی عظیمی که باید برگذار شود از خاطر آنان رفت و ایمانشان متزلزل گردید. وقتی زمان استخلاص اسرائیل فرا رسید شیطان با مقاصد الهی جداً مخالفت ورزید و قصد داشت ملت اسرائیل را که قریب به ده میلیون نفر بودند در جهالت و موهوم پرستی نگه دارد. خداوند امت اسرائیل را برکت داده و کثیر ساخت تا در جهان ناشر معرفت وی گردند، ولی شیطان همین ملت را مورد حمله خود قرار داد تا آنان را در تیرگی و بردگی فرو ببرد و ذکر خدا را از ذهنشان محو سازد.

موقع ظهور معجزات در حضور فرعون، شیطان همواره سعی در بی اثر و جعلی وانمود کردن آنان داشت و کوشش کرد تا مانع اقرار فرعون به بزرگواری خدا و اطاعت از فرامین او شود. شیطان همواره سعی داشت کارهای خدا را جعلی و مقاومت در برابر اراده او را تقویت کند ولی این نقشه با شکست روبرو شد زیرا خداوند معجزاتی عظیمتر و نمایشی قویتر از جلال الهی خود بمنصه ظهور رسانید که مصریان و اسرائیلیان را متوجه ذات و سلطه خدای زنده و حقیقی گردانید.

خداوند اسرائیل را با اعجاز قدرت عظیم و داوریهی خود از سلطه خدایان مصری نجات داد. پس او قوم برگزیده خود را در حالیکه با شادی سرود می خواندند از مصر بیرون آورد. . . تا در آن سرزمین نسبت به وی وفادار مانده، از دستوراتش اطاعت نمایند. خداوند را سپاس یاد! (۲) آنان را از بردگی آزاد کرد تا به سرزمینی مطلوب بیاورد یعنی به سرزمینی که در پناه الطاف و محبت خود از دشمنان محفوظ و مسرور زیست کنند. او آنان را به نزد خود آورد تا به ابدیت دست یابند را پرستش

نموده نام وی را تمجید و تحلیل کنند. در دوران بردگی در مصر بسیاری از افراد بنی اسرائیل معرفت و شریعت خداوند را فراموش کرده شرایع و اوامر خداوندی را با خرافات و آداب و رسوم بت پرستان آمیختند. بدین سبب خداوند آنان را به سینا آورد و احکام خود را حضوراً به آنان اعلام داشت.

از زمانی که خداوند احکام خود را اعلام فرمود شیطان و فرشتگان پیروش در صدد وسوسه و گمراهی ساکنان زمین بر آمدند. منتخبین خداوند را ربوده آنان را به بت پرستی تشویق کرده حرمت و

فضیلت عبادت را مستحیل کردند. چگونه انسان با ستایش شیئی پست تر و ساخته دست خود میتواند سبب رستگاری خود گردد؟ چنانچه انسان نسبت به قدرت و جلال و شوکت خدای جاودانی بحدی کور دل شود که بجای او مجسمه حیوان و یا خزنده ای برای پرستش خود بسازد و بجای رابطه مستقیم و مقدس خود با او اشیاء بیجان و جامد را سجده کند آنگاه تسلط شیطان و سقوط بشر حتمی خواهد بود.

در دامنه کوه سینا شیطان نقشه انهدام احکام خدا را که از آسمان شروع شده بود طرح ریزی کرد. در خلال چهل روز مکالمه موسی با خدا در کوه، شیطان به اغوا و تحریک مردم به شک و تردید و آشوب آنان فعالیت میکرد. هنگامی که خداوند احکام را بخاطر قوم متعهد خود اعلام فرمود، اسرائیلیها وفاداری خود را منکر شده و برای خود خدایان طلائی ساختند. وقتی که موسی از محضر الهی مراجعت کرد قوم متمرّد را در حال پرستش گوساله طلائی یافت.

شیطان قصد داشت اسرائیل را توسط این توهین کفر آمیز به شکست کامل دچار سازد. چون بنی اسرائیل به پست ترین درجه ممکن نزول کردند برکات و امتیازات الهی را از خود رانده بودند و وعده های

مکرر خود را نادیده گرفته بودند، شیطان تصور کرد که خداوند هرگز فرصت ثانوی به آنان عطا نکرده و نابودشان خواهد کرد. آنگاه ذریت ابراهیم که قرار بود قوم برگزیده خداوند باشد و مولود مبارکی که از نسل او برای نجات عالم آید متوقف گشته پیروزی شیطان حتمی میشد. آن خائن بزرگ در نظر داشت اسرائیل را نابود کرده و نقشه خداوند را متوقف سازد. ولی با این که قوم اسرائیل گناهکار بودند معدوم نگردیدند و بار دیگر شیطان با شکست روبرو شد و طرفداران سرسختش همه نابود شدند اما مؤمنین و متواضعین بدرگاه احدیت روی آورده توبه نمودند و مورد عفو و بخشش الهی قرار گرفتند. داستان این گناه و جزای این تقصیر بعنوان شاخصی از عدالت و بردباری رحیمانه خداوند باید تا به ابد باقی بماند.

تمامی کائنات شاهد قضیه سینا شده بودند. تفاوت حاصله بین حکومت خداوند و دولت شیطان را مشاهده کردند. بار دیگر ساکنان معصوم سایر کرات نتیجه فتنه شیطان و نوع حکومتی که در نظر داشت در آسمان برپا کند مشاهده کردند.

شیطان در نظر داشت با تحریک مردم و بی حرمتی به حکم دوم،

عقیده مردم را نسبت به خداوند متزلزل کند و با بی توجهی به حکم چهارم خداوند را بکلی فراموش کنند. ولی از آنجائیکه خداوند خالق همه بوده و همه بفرمان او بوجود آمده اند، لذا او تنها خدای قابل حرمت و پرستش است. این حقیقت در کتاب مقدس چنین تأیید می شود. ارمیا نبی میفرماید: "ولی خداوند، تو تنها خدای حقیقی می باشی، تو خدای زنده و پادشاه ابدی هستی! . . . آنانی که در مقابل بت‌هایشان سجده میکنند چقدر نادانند! سازندگان آنها شرمسار و رسوا خواهند شد، زیرا آنچه می سازند، دروغین است و جان در آنها نیست. همه این بتها بی ارزش و مسخره اند! وقتی سازندگانشان از بین بروند، بت‌هایشان هم از میان خواهند رفت. اما خدای یعقوب مثل این بتها نیست. و خالق همه موجودات است و بنی اسرائیل قوم خاص او می باشد، نام او خداوند قادر متعال است." (۳) روز سبت یادبود قدرت خلاقه خالق است و او را سازنده آسمان و زمین معرفی میکنند. بنا بر این شاهدهی مستمر از ابدیت او و یادآوری از بزرگی و حکمت و محبت او میباشد. اگر روز سبت همیشه رعایت میشد هیچ ملحدی یا بت پرستی یافت نمیشد.

روز سبت در باغ عدن بوجود آمد و همسن و سال خود جهان

میباشد و از بدو عالم تمام شیوخ آن را رعایت میکردند. بنی اسرائیل در زمان بردگی زیر ضربات تازیانه سرپرستان مصری خود بحکم اجبار قادر بر رعایت روز سبت نبودند و در نتیجه کم کم قدوسیت و حرمت آن در نظرشان بی اعتبار گشت. وقتی احکام دهکانه در سینا ابلاغ شد، اولین کلمات حکم چهارم "روز سبت را یاد کن و آن را تقدیس نما" بود. از این وجود

داشته است و شروع آن از زمان خلقت است. چطور ممکنست چیزی را یاد کنند که هیچ خبری از آن نداشتند؟ شیطان کوشش کرد با از بین بردن اعتبار روز سبت وجود خداوند را از نظر مردم محو گرداند. اگر مردم قادر بفراموش کردن خالق خود شوند، هیچ نیروئی در مقابل شیطان باقی نمانده و در آن صورت طعمه خود را بچنگ آورده است.

عداوت شیطان نسبت به احکام خداوند او را بصد تمام اوامر الهی شورانیده است. اصول محبت و اطاعت به فرمان والدین رابطه بسیار نزدیکی با وفاداری و محبت نسبت به خداوند دارد. اهانت فرزندان نسبت به والدین خود اولین گامی است که انسان برای اهانت به خدای خویش بر میدارد. بین بسیاری از قبائل بت پرست بمجردی که والدین به

سنی می رسیدند که دیگر قادر به تلاش معاش خود نبودند فرزندان‌شان آنان را ترک کرده یا بمرگ تدریجی دچارشان می‌ساختند. در خانواده پس از مرگ پدر مقام مادر تحقیر میشد و میباید مطیع اوامر فرزند ارشد خود شود. موسی در تأیید این حکم فرزندان را به اطاعت از والدین مقرر داشت ولی بنی اسرائیل که به تدریج خداوند را نادیده گرفته بودند در نتیجه حکم پنجم را نیز مثل سایر احکام واقعی نهادند.

شیطان خود از اول قاتل بود (۴) و به مجرد اینکه بر نوع بشر تسلط یافت آنان را به کشتن یکدیگر ترغیب نمود و آنان را جسورانه تشویق نمود تا از اطاعت پروردگار سرپیچی کنند و مخالفت با حکم ششم را جزو معتقداتشان گردانید.

شیطان با تکذیب و جعل صفات الهی، کفار را به قربانی کردن فرزندان‌شان برای تسکین غضب خدایان خود ترغیب میکرد و در نتیجه این کفار نفرت انگیزترین جنایات را انجام میدادند. فی‌المثل فرزندان خود را مجبور میکردند در حضور بت‌هایشان از میان شعله‌های آتش یکی از این مهلکه‌ها جان سالم در میبرد جماعت بت‌سور اینکه قربانی مورد قبول خدایشان بوده او را تجلیل کرده و

هدایای فراوانی به او تقدیم میکردند و او را مادام العمر مورد احترام و ستایش قرار میدادند و اگر چنانچه جنایتی از او سر میزد هرگز مورد موأخذه قرارش نمیدادند. بیچاره کسی که در آتش میسوخت، اگر از آتش هم خارج میشد همه او را مغضوب بتها دانسته و او را برای قربانی شدن به قربانگاه میسپردند. در تاریکترین ایام تردید بنی اسرائیل این گونه رسوم رعایت میشد.

در زمانهای قدیم تحت لوای دین خلاف حکم هفتم را بعمل می آوردند. زشت ترین و هرزه ترین عادات شهوانی را بعنوان عبادت انجام میدادند. خدایان خود را در حال ارتکاب اعمال شهوانی ساخته و خود در حال عبادت بهمان حرکات تأسی میجستند. برای ترغیب و تشویق دیگران باعمال غیر طبیعی جشنها و نمایشهایی در مجامع عمومی براه میانداختند.

تعدد زوجات از زمانها پیش رواج داشت. یکی از گناهانی که قبل از طوفان باعث غضب خداوند گردید تعدد زوجات بود. با وجود این، پس از طوفان این عمل عمومیت پیدا کرد. نقشه فتنه انگیز شیطان همین بود که بنیاد زناشوئی را تحریف کرده مسئولیت خانوادگی و قدوسیّت

ازدواج را تضعیف سازد زیرا بدین ترتیب بنیاد صفات الهی از اخلاق بشر متزلزل شده دروازه شرارت و بدبختی آن افتتاح میگردد.

از ابتدای مبارزه بزرگ قصد شیطان در مشتبه کردن و بدجلوه دادن صفات خداوندی بوده است. همواره کوشش کرده مردم را بضد در این مسئله موفق شده است. توده مردم

دروغهای شیطان را باور کرده و خود را در صفوف فتنه انگیزان قرار میدهد. ولی شیطان با همه این تلاشهای مزورانه اش مغلوب خداوند خواهد شد و خداوند عدالت و احسان خود را به مخلوق حکیم خود آشکار میسازد. با اینکه در اثر وسوسه های شیطان نوع بشر مرتکب خلاف شریعت خدا گشته ولی بخاطر فداکاری مسیح چاره ای برای باز کشت و توبه ایجاد شد. فیض الهی برای اطاعت از احکام خدا بما قدرت و توانائی میدهد. بنابراین در هر دوره و زمان و در هر محیطی خدا افرادی را که نسبت به او صادق و امین باقی بمانند یعنی "کسانی که احکام مرا دوست می دارید و خوب را از بد تشخیص میدهید(۵) گرد هم جمع می آورد.

شیطان با دروغ پردازی توانست ملائکه را اغوا کند و همین روش

را طی قرون متمادی برای فریفتن بشر بکار برد و این رسم را تا پایان کارش ادامه خواهد داد. اگر مخالفت خود را با احکام خدا آشکارا تبلیغ کند مردم در آن برحذر میشوند. بهمین جهت او کذب را در لفافهٔ حقیقت منتشر میکند. خطرناک ترین کذب آنست که با حقیقت آمیخته شده باشد و این چنین اصلی زود پذیرفته شده باعث نابودی شخص میگردد. شیطان جهان را بدین ترتیب بدنبال خود میکشاند ولی زمانی میرسد که پایان همه پلیدیهای وی خواهد رسید.

خداوند در مقابل فتنه های شیطان عکس العمل نشان داده در نهایت نقاب فریبندهٔ دشمن را بسوئی کشیده فجایع او را آشکار خواهد ساخت. نتایج حکومت شیطان و ثمر بی اعتنائی به اوامر الهی بر همه متفکران ادوار ظاهر و معلوم خواهد شد. ثابت و مشخص میگردد که احکام خداوند و مشیت الهی همه برای خیر و سعادت ابدی نوع بشر و جمیع کرات دیگر بوده است. خود شیطان در حضور جمیع کائنات، به عدالت حکومت خداوند و انصاف احکامش اعتراف خواهد کرد.

بزودی خداوند برای استیفای حق و عدالت اقدام خواهد فرمود: "زیرا خداوند از آسمان می آید تا مردم دنیا را بسبب گناهانشان

مجازات کند." (۶) "اما کیست که یارای ایستادن در مقابل او را داشته باشد؟ و کیست که بتواند آمدنش را تحمل کند؟" (۷) بنی اسرائیل بسبب گناهانشان نتوانستند نزد خدا بکوه تقرب جویند چون طاقت و تحمل جلال باری تعالی را نداشتند. اگر مکان اهداً احکام دارای چنین شوکتی است، پس هیبت دادگاه عدل الهی چگونه خواهد بود؟ کسانی که منکر وجود پروردگار بوده اند روز قیامت موقع داوری چگونه تحمل حضور در آن دادگاه را خواهند داشت؟ وقایع سینا قرار بود نحوه داوری اینعالم را بمردم معرفی کند. صدای شیپور اسرائیل را برای ملاقات خداوند بصدا در آورد. صدای رئیس فرشتگان و صور خدا زندگان و مردگان را از چهار سوی جهان بنزد داور احضار خواهد کرد. خداوند و جمعی از فرشتگان در سینا حضور داشتند. در روز داوری مسیح فرمود که "با فرشتگان خود در شکوه و جلال پدرم خواهیم آمد و هر کس را از روی اعمالش داوری خواهیم کرد." (۸) آنگاه بر تخت جلال خود جلوس فرموده جمیع قبائل جهان در پیش او خواهند ایستاد.

وقتی حضور خداوند در سینا ظاهر شد جلال خداوند در انظار اسرائیل مانند شعله ای فروزان بود. ولی هنگامی که مسیح باتفاق جمیع

ملائکه مقدس خود بیاید تمام جهان با نور خیره کننده حضورش روشن خواهد شد. "خدای ما خواهد آمد و سکوت نخواهد کرد. شعله های آتش در پیشاپیش او و گردباد در اطراف اوست. او آسمان و زمین را به گواهی می طلبد تا بر قوم خود داوری کند." (۹) شعله آتش از او ساطع شده عناصر را خواهد سوزانید. جهان و هرچه در آن است از بین خواهد رفت. وقتی "عیسی خداوند به ناگاه در میان شعله های آتش و با فرشتگان نیرومند خود از آسمان ظاهر شود، خدا به ما و به شما آسودگی خواهد بخشید. اما آنانی را که از شناختن خدا و پذیرش خدا و پذیرش نقشه نجات او توسط عیسی مسیح سر باز می زنند، به کیفر خواهد رسانید." (۱۰)

از بدو عالم تا زمانی که خداوند احکام خود را در کوه سینا بموسی عطا فرمود، چنین شوکت و جلالی مشاهده نشده بود. "زمین نکان خورد و آسمان بارید و کوه سینا از ترس حضور تو به لرزه افتاد." (۱۱) در حالی که طبیعت متشنج شده بود از آن میان ندای آسمانی خداوند مانند شیوری خوشنوا از بالای ابرها شنیده شد. آن کوه با تمام عظمتش بلرزه در آمد و جنود اسرائیل با رنگهای پریده وحشت زده بروی

درافتادند. بلرزه در آورنده جهان چنین میفرماید: "بار دیگر، نه فقط زمین را، بلکه آسمانها را نیز خواهم لرزاند." (۱۲) مکتوبست که "خداوند از جایگاه مقدس خود در آسمان بر قومش و تمام ساکنان جهان بانگ بر می آورد." (۱۳) و "خداوند از اورشلیم فریاد بر می آورد. آسمان و زمین می لرزند، اما خداوند همچنان پناهگاه و قلعه قوم خود اسرائیل خواهد بود." (۱۴) در آن روز عظیم و قریب الوقوع آسمان نیز مانند یک طومار به هم پیچید و ناپدید گشت و تمام کوه ها و جزیره ها نکان خورده، از جای خود منتقل شدند." (۱۵) کوهها و جزائر جابجا شده زمین مانند مستی است که افتان و خیزان راه می رود و مثل خیمه ای است که در برابر طوفان نکان می خورد. دنیا زیر بار گناهش خم شده و یک روز خواهد افتاد و دیگر برنخواهد خاست." (۱۶)

در آن روز اُمتهای همه از ترس سست خواهد شد و دلها آب خواهد گردید. همه هراسان خواهند شد و دردی شدید مانند درد زنی که می زاید وجودشان را فرا خواهد گرفت. . . من دنیا را بخاطر شرارتش، و بدگاران را بسبب گناهانشان مجازات خواهم کرد. تمام متکبران را خوار خواهم ساخت وهمه ظالمان را هم ذلیل خواهم کرد. . . آیا مرد،

آبستن می شود؟ پس چرا مردان مانند زنانی که می زاینند، دستهای خود را بر کمر گذارده اند و رنگشان پریده است؟" (۱۷)

وقتی موسی از حضور خداوند، مکانی که الواح احکام باو اعطا گردید مراجعت کرد، اسرائیلیهای آلوده بگناه تحمل دیدن چهره درخشان او را نداشتند. هنگامی که مسیح در جلال خداوند و بمعیت جنود سماوی برای اجرای داوری متخلفین و مرتدین مراجعت فرماید چگونه مقصرین در حضور وی خواهند ایستاد؟ کسانی که احکام خدا را نادیده گرفته و خون مسیح را ناچیز شمردند یعنی "پادشاهان زمین و رهبران جهان، فرمانداران و ثروتمندان، کوچک و بزرگ، برده و آزاد. . . ایشان به کوه ها و صخره ها التماس کرده، می گفتند: ای کوه ها و ای صخره ها بر ما بیفتید و ما را از روی آنکه بر تخت نشسته و از خشم بره پنهان کنید. زیرا روز عظیم خشم آنان فرا سیده است، پس کیست که تاب مقاومت داشته باشد؟" (۱۸) آنگاه مردم بتهای طلا و نقره خود را برای موشهای کور و خفاشها خواهند گذاشت. ایشان به درون غارها خواهند خزید تا از هیبت جلال خداوند خود را در میان شکافهای صخره ها پنهان سازند." (۱۹)

آنگاه ثابت خواهد شد که فتنه شیطان بضرر خود او و کسانی که تبعیت او را اختیار کرده اند تمام شده است. شیطان همیشه مدعی بوده که پیروی از او باعث رستگاری همه میشود وی در نهایت آشکار خواهد شد که "هر که گناه کند، تنها دستمزدی که خواهد یافت، مرگ است." (۲۰) "روز داوری مثل تنوری شعله ور فرا می رسد و همه اشخاص مقرر و بدکار را مانند کاه می سوزاند. آنها مانند درخت تا ریشه خواهند سوخت و خاکستر خواهند شد." (۲۱) شیطان ریشه هر گناه و تمام تبهاران که شاخه های او میباشند بطور کلی منقطع خواهند شد. گناه و تمام اجزا خانمان بر انداز آن محو و نابود خواهند شد. نویسنده مزبور میفرماید: "تو قومهای شرور را محکوم و نابود کرده ای و نام آنها را از صفحه روزگار محو ساخته ای، دشمنان ما را بکلی ریشه کن نموده ای و شهرهای آنان را ویران کرده ای بطوری که حتی نامی از آنها نیز باقی نمانده است." (۲۲)

ولی در میان خشم طوفان داوریهی الهی برای بندگان خداوند جای هیچگونه ترس و وا همه ای نخواهد گذاشت: "خداوند از اورشلیم فریاد بر می آورد. آسمان و زمین می لرزند، اما خداوند همچنان پناهگاه

و قلعة قوم خود اسرائیل خواهد بود. (۲۳) در روزی که برای خطاکاران خوف و اضطراب ببار می آورد برای ایمانداران این ایمان چنان شادی عظیمی در قلب شما بوجود آورده که قابل وصف (۲۴) نخواهد بود. خداوند میفرماید: قوم خاص مرا که با قربانی های خود با من عهد بسته اند که نسبت به من وفادار بمانند، نزد من جمع کنید، آسمانها گواهند که خود خداوند داور است و به اعدالت داوری می کند. (۲۵)

آنگاه خواهید دید که خدا با اشخاص خوب و بد، با خدمتگزاران خود و آنانی که او را خدمت نمی کنند، چگونه رفتار می کند. (۲۶) ای کسانی که احکام مرا دوست می دارید و خوب را از بد تشخیص می دهید، به من گوش کنید. از سرزنش و تهمت مردم نترسید. . . خداوند، خدایتان که مدافع شماست چنین می گوید: «من کاسه غضب خود را که باعث سرگیجه شما شده از دست شما می گیرم و شما دیگر مجبور نخواهید شد از آن بنوشید.» (۲۷) هر چند کوه ها جابجا شوند و تپه ها نابود گردند، اما محبت من نسبت به تو هرگز از بین نخواهد رفت و پیمان سلامتی ای که با تو بسته ام هیچ وقت شکسته نخواهد شد، خداوند که تو را دوست دارد این را

می گوید. (۲۸)

نتیجه نقشه عظیم نجات این باید باشد، هر آنچه که بسبب گناه معدوم شده است باز گردانیده و جهان را دوباره مقبول خداوند باری تعالی نماید و این جهان و ساکنانش تجدید حیات یافته و محل سکونت عادلان درگاه احدیت شود. مدت شش هزار سال شیطان برای تسخیر جهان کوشیده است. ولی پس از این ماجرا نقشه اصلی خداوند در خلقت جهان صورت عملی به خود میگیرد: "ولی سرانجام برگزیدگان خدای متعال تا ابد قدرت سلطنت را به دست خواهند گرفت." (۲۹)

"از طلوع آفتاب تا غروب آن، نام خداوند را ستایش کنید!" (۳۰)  
"در آن روز، خداوند، پادشاه سراسر جهان خواهد بود و مردم تنها او را خواهند پرستید و او را خداوند خواهند دانست." (۳۱) "ای خداوند، کلام تو تا ابد در آسمانها پایدار خواهد ماند." (۳۲) هر کاری که خداوند انجام می دهد، درست و منصفانه است. همه احکام او قابل اعتماد می باشند. کارها و احکام خداوند، تا ابد باقی می مانند، زیرا بر عدل و راستی بنا شده اند (۳۳) او امر مقدسی را که شیطان کوشش کرد از بین ببرد در کائنات معصوم آینده رعایت خواهند شد: "خداوند عدالت خود

را در تمام جهان آشکار خواهد کرد و همهٔ قومها او را ستایش خواهند نمود. عدالت او در باغ جهان خواهد رویید و شکوفه خواهد آورد." (۳۴)